تاریخ تمدن اسلامی - ۴۷

نقش زنان در موقوفات اسلامی

ج) وقف موجب ترویج فرهنگ اسلامی

وقف تنها بعد اقتصادی و خیریه نداشـت، بلکه فرهنگ آن موجب، ترویج فرهنگ اسـلامی در محل‌های مربوطه می‌شـد. روبرت گراهام ایروین (اسـتاد تاریخ قرون وسطی در دانشگاههای سنت آندره لندن، کمبریج و آکسـفورد، مـورخ، رمان نویس و نویسـنده ادبیات عرب و ویراسـتار ضمیمه ادبـی تایمز در کتاب «هنر اسـلامی» در این باره می‌نویسد:

«... مجموعه‌هـای بـزرگ مذهبی یـا عمارت‌هایی که از سـوی موقوفات تامین مالی می‌شدند، نقش تعیین‌کننده‌ای در اسلامی شدن قسطنطنیه (پس از فتح آن توسط محمد دوم، سلطان عثمانی در سال ۱۴۵۳) ایفا کردند. به عنوان مثال مسجد فاتح که پس از تسخیر شهر به فرمان سلطان محمد ساخته شـد، کارکنان فراوان، غذاخوری‌های خیریه، مغازه‌های جانبی و موسسات مختلف داشت و برهمه محله‌های شهراشراف داشت...»

از راست به چپ: مدرسه جده‌بزرگ، مدرسه نیم‌آورد و مسجد گوهرشاد

زنان در موقوفات مسئولیت‌های اصلی داشتند

در ایـن وقفنامه‌ها یا وقفیه‌ها یعنی اسـنادی کـه همه جزئیات و ریز موضـوع وقف و چگونگـی و حدود و حتی زمـان و میزان آن را بیان می‌کردند، بخشـی از آنچه در کتب تاریخـی نیامده یا ناگفته و پنهان مانده بود را گویی از گوشـه گوشـه‌های اوقاف بیرون کشیده و در برابر چشـمان تاریخ و آیندگان قرار مـی‌داد. آنچه پیش از این در وقفنامه «ربع رشـیدی» هم مشاهده شـد، بخشی از آن ناگفته‌ها بود که در جزیی‌ترین شـکل خویش در آن سـند مهم تاریخی ثبت شده اسـت. یکی دیگر از مواردی که همین وقفنامه‌ها می‌توانند ورای تاریخ نگاری‌ها بازگو نمایند، نشـانه‌هایی از صاحبان وقف اسـت که معمولا هویت خود را در منظر عام پنهان نگاه داشـته اما در وقفنامه که تنها به نظر برخی محرمان می‌رسـید، این هویت آشـکار بود. بنابراین در کتـب تاریخی اغلب نشـانی از هویت واقفان رویت نمی‌شـود مگر در نمونه‌های خیلی معروف مانند همان «ربع رشـیدی». بنابراین یکی از مواردی که از مکتوبات وقفنامه‌ها بدست آمد، این موضوع بود که اغلب واقفان و موسسان موقوفه‌ها و حتی حامیان آن موسسات وقفی، از میان زنان متمـول بوده‌اند. روبرت ایروین در همان کتاب «هنر اسـلامی» ضمن‌اشاره به ارزش سندی وقفنامه ها، به مسئله حضور فعال زنان در موقوفه‌ها نیز می‌پردازد:

«... وقفیه‌ها (وقف نامه ها) مانند مدارک می‌توانند بسـیار ارزشمند باشـند. به عنوان مثال بسیاری از اسناد وقف نشان می‌دهد که میزان قابـل توجهی از قدرت اقتصادی در دسـت زنان بـوده، زنان نه فقط سرپرسـت موقوفات، بلکه حتی موسس و حامی موقوفات مذهبی نیز بودند. چشـمه‌های عمومی، آبشخورهای اسبان واشیای با ارزش مانند قرآن‌های مذهب یا چراغ‌های مطلای مسجد نیز ممکن بود وقف شوند و تحت حمایت یک موسسه وقف قرار گیرند. قدیمی‌ترین قرآن باقی مانده وقفی به نیمه دوم قرن نهم برمی گردد.

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی که از یهودیت به اسلام گرویده بـود و وزیر دولت مغول در ایران (در اوایل قـرن چهاردهم) بود، یک موسسـه وقفی ایجاد کرد تا انتشار کتاب تاریخ جهان خود را تضمین کند...»

***روبرت ایروین در کتاب «هنر اسلامی» ضمن‌اشاره به ارزش سندی وقفنامه‌ها، به مسئله حضور فعال زنان در موقوفه‌ها نیز می‌پردازد: «... وقفیه‌ها (وقف نامه ها) مانند مدارک می‌توانند بسیار ارزشمند باشند. به عنوان مثال بسیاری از اسناد وقف نشان می‌دهد که میزان قابل توجهی از قدرت اقتصادی در دست زنان بوده، زنان نه فقط سرپرست موقوفات، بلکه حتی موسس و حامی موقوفات مذهبی نیز بودند.**

ماجرای ورود زنان به عرصه وقف در تاریخ ایران از زمان ورود اسلام آغاز می‌گردد که در اسـناد و مدارک بر جای مانده نام هر کدام از این زنان را می‌توانیم بیابیم.

موقوفـات این زنان که تعداد آنها به بیش از ۴۰۰۰ مورد می‌رسـد و قدمت برخی از آنها به بیش از پانصد سـال می‌رسد موارد گوناگونی را از قبیل اراضی مزروعی، دکاکین، تکایا، مسـاجد، منازل مسـکونی، دارالایتام، درمانگاه و سـایر مراکز عام‌المنفعه شامل می‌شوند و هر یک دارای مصارف مشخص بوده و عواید آنها همه ساله به واسطه متولّی یا سازمان اوقاف، صرف اجرای نیات واقفین می‌شده است.

*** اسناد یاد شده که حکایت از مشارکت زنان در امور خیریه در زمان صفوی می‌کند، یک سوم از کل موقوفات آن دوران را در بر می‌گیرد. در جدولی که «ماساشی هانه دا» پژوهشگر ژاپنی درباره وقفیات این دوره تهیه کرده نام ۲۵ مدرسه ذکر شده است که بانی چهار مدرسه از آن میان زنان هستند.**

در میـان زنانی که نام آنها در میان کسـانی کـه وقف کرده‌اند در تاریخ ایران به یادگار مانده اسـت می‌توان از «مهد علیا گوهرشاد آغا» ازاشراف زنان خراسان و همسر شاهرخ پسر امیر تیمور گورکانی سخن گفت. گوهرشـاد که با فروش گردنبند الماسش هزینه ساخت مسجد گوهرشـاد را داد، در سال ۸۶۱ هجری قمری بر اثر وسوسه جمعی در هرات به قتل رسـید و پیکرش در مدرسه گوهرشاد هرات که خود آن را سـاخته بود، در کنار مزار شوهرش به خاک سپرده می‌شود. به جز مسـجد گوهر شاد بیگم، مدرسـه و خانقاه مهد علیا گوهر شاد آغا در هرات و همچنین مسجد جامع معروف گوهر شاد در مشهد مقدس هم از موقوفات گوهرشاد است.

دوران صفوی از دوران‌هایی اسـت که در آن سـنت وقف گسترش بسـیار پیدا کرد. در ایـن زمان مسـاجد، مدارس، بیمارسـتان‌ها و کاروانسـراهای بسـیاری سـاخته و برای هر یک موقوفات متعددی قرارداده شـد. همچنین افراد بسیاری املاک و مستغلات خود را برای مراسـم عزاداری و احیای شـب‌های متبرک و نیز بر مزارات شریفه و اماکن مقدسـه و حتی بر مسـافران عتبات وقف کردند. علاوه بر اینها مسائل کوچکی چون روشنایی معابر شهر، دست‌گیری از فقرا، بیماران، درراه‌ماندگان و حتی حیوانات علیل از چشم واقفان دور نمانده است.

در این دوره است که در اسناد و مدارک، نام زنان بسیاری را به عنوان کسانی که اموال خود را وقف امور مختلف کرده اند، می‌یابیم که از بین آن‌ها می‌توان به زنی چون « دلارام خانم» همسـر شـاه عباس اول که جده بزرگ شـاه عباس دوم صفوی بود،اشاره کرد. از موقوفات این زن، مدرسه‌ای در اصفهان است که وقف آن در کتیبه‌اش سال ۱۰۵۶ هجری قمری آمده اسـت. این مدرسه که به منظور ترویج علوم دینی تاسیس شد، امروز به نام مدرسه «جده کوچک» در اصفهان مشهور است.

انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت دولت شـاه عباس اول اوج ترویج و رونق وقف و کارسـازی آن بود، به طوری که بسـیاری از آثار و ابنیه و مؤسسـات قابل اعتنای آن عهد بر اثر همین موضوع شـکل گرفت. بانوان در این تحول ارزشـمند تأثیر گذار بودند؛ چه زنان دربار اعم از مادران، همسران و دختران پادشاهان و یا زنان امراء و حکام، عالمان و دانشمندان و حتی بانوان دیگر اقشار جامعه، همگی در این زمینه نقش برجسـته ای ایفا کرده‌اند. برخی از این نهادها و مراکز علمی ـ معنوی وقف شده، هنوز هم باقی مانده و منشأ خیرات و برکات متعددی شدند.

یک اسـتادیار رشته تاریخ دانشـگاه الزهرا در تحقیقی با نام «زنان واقـف در پایتخت صفوی» به موضوع اموال وقفـی زنان عصر صفویه پرداخته اسـت. بنا به این تحقیق از میان ۱۷ موردی که مورد بررسی قرار گرفته، ۶ مورد وقف مدرسه، ۳ مورد وقف بر اولاد، ۵ مورد وقف بر امامان و امامزادگان و ۳ مورد وقف براشخاص (مانند غلامان و کنیزان و نیازمندان) بوده اسـت. از ۵۹ وقف نامه‌ای که از سـده آخر حکومت صفویان در اصفهـان پایتخت مذهبی این دولـت در اداره کل اوقاف این شـهر بر جای مانده است تعداد ۱۷ وقف نامه به وابستگان شاهان صفوی، زنان درباری و قشر مرفه آن دوران تعلق دارد.

اسـناد یاد شده که حکایت از مشارکت زنان در امور خیریه در زمان صفوی می‌کند، یک سوم از کل موقوفات آن دوران را در بر می‌گیرد.

در جدولی که «ماساشی هانه دا» پژوهشگر ژاپنی درباره وقفیات این دوره تهیه کرده نام ۲۵ مدرسـه ذکر شده است که بانی چهار مدرسه از آن میان زنان هسـتند. این مدارس به ترتیب زمان وقف عبارتند از «مدرسـه جده کوچک»، «مدرسه جده بزرگ»، «مدرسه نیم آورد» و «مدرسـه مریم بیگم» که هنوز هم در اصفهان دایر هستند. با توجه به اینکه احداث، نگهداری و وقف مدرسه نیاز به هزینه بالایی دارد، نگاهی به نسـب نامه این واقفان، روشن می‌سـازد که همگی از طبقه درباری و از وابسـتگان به شاهان صفوی بودند. به غیر از «زینب بیگم» همسر «حکیم الملک اردستانی» که خارج از طبقه فرادست جامعه بوده است.

با این همه از یک سو توجه زنان به امر احداث مدرسه و از سوی دیگر اختیاری که در خرج اموال خود داشتند بسیار قابل توجه است.

زنان واقف با شروطی که برای مدرس و طلبه و چگونگی اداره مدرسه معین می‌کردند، علایق و نظرات خود را بر آن تحمیل می‌نمودند و در واقع به لحاظ فکری بر اداره مدرسه اعمال نفوذ می‌کردند.

وقف برای امامان و اماکن مقدسه، موردی دیگر است که از دید زنان دوره صفوی پنهان نمانده اسـت. «گوهر شـاه بیگم» در سال ۱۰۷۱ نیمی از موقوفه خود را بر زائران و مجاوران امیرالمومنین و نیم دیگر را بر آستانه امام حسین (علیه السلام) وقف کرد. مادر «شاه سلیمان» نیز در سال ۱۰۷۹ هجری قمری در پی اجابت نذری برای بهبودی بیماری فرزندش، املاک خود را بر عتبات عالیات وقف کرده بود.

اقتصاد مقاومتی؛ سیاست‌ها و انتظارات در بیانات رهبر انقلاب - ۴۶

گردآورنده: ناصر عابدی

رهبر انقلاب ضمن بیان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی:

رونق اقتصادی را بدون عدالت اجتماعی نمی‌خواهیم

*** رهبر انقلاب: ما به‌خاطر استقلالمان، به‌خاطر عزت‌مداری‌مان، به‌خاطر اصرارمان بر تحت تأثیر سیاست‌های قدرت‌ها قرار نگرفتن، مورد تهاجم و سوءنیت هم قرار داریم؛ یعنی نسبت به ما - همچنان که در شرایط کنونی مشاهده می‌کنید - انگیزه‌های مخالفت و اخلالگری و اشکال‌تراشی و ایجاد مشکل، بیش از بسیاری از کشورهای دیگر است. بنابراین ما بیشتر بایستی اهتمام بورزیم به اینکه پایه‌های اقتصاد را محکم کنیم و اقتصادمان را مقاوم‌سازی کنیم.**

پیوست ۲:

متن بیانات در جلسهٔ تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

(بیستم اسفند ۱۳۹۲)

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

خوشـامد عرض می‌کنم به همهٔ بـرادران و خواهران عزیز و تشـکر می‌کنـم کـه این دعـوت را اجابت کردید و در این جلسـه حضور پیدا کردید تا ان‌شـاءالله بـا آنچه در این فضای همدلی مطرح می‌شود، کاری در جهت پیشرفت کشور و گامی در راه رسیدن به آرمان‌های بلند کشور انجام بشود و برداشته بشود.

هدف از اینکه به شـما برادران و خواهران زحمـت دادیم که اینجا تشریف بیاورید، این است که دربارهٔ سیاست‌های اقتصـاد مقاومتی که اخیراً ابلاغ شـد و اعلام شد، قدری صحبت بشود که هم تا حدودی تبیین و هم تأکید [شود] بر آنچه لازمهٔ این سیاست‌هاسـت و وظایفـی که این سیاست‌های مهم و اساسی بردوش همهٔ ما می‌گذارد. قبلاً سیاسـت‌های گوناگونـی در زمینه‌هـای اقتصادی ابلاغ شده است؛ مثل سیاست انرژی، سیاسـت تولید ملی، سیاست اصل ۴۴، سیاسـت امنیت سرمایه‌گذاری، سیاست‌های آب و غیـره؛ در آن سیاست‌ها آنچه کانـون توجه در هر بخشـی بوده است، ارائهٔ نقشه‌راه بوده؛ یعنی خواسـتیم مثلاً در زمینهٔ تولید ملی یا مسـئلهٔ آب یا مسـئلهٔ انرژی و امثال این‌ها نقشه‌راهی ارائه بشود که براساس آن، مسئولان، کار خودشان را پیش ببرند. [اما] در این سیاست‌ها تنها مسئلهٔ نقشه‌راه نیست، بلکه در اینجا شـاخص‌های درستْ پیمودن راه هم مطرح شـده؛ درست مثل علائـم راهنمایی و رانندگی. در بندهای مختلف این سیاسـت‌ها وظایفی تعیین شده‌است که در واقع این وظایف تضمین‌کنندهٔ درسـتی حرکت در این راه اسـت؛ یعنی این سیاست‌ها که فراگیر و عمومی و کلی اسـت، در هر بخشی شاخصه‌هایی را مشخص کرده اسـت که در مطالعهٔ بندهای سیاست‌ها، کارهایی که باید انجام بگیرد، مشخص است. مجموعهٔ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی اسـت که برآمدهٔ از فرهنگ انقلابی و اسـلامی ماست؛ متناسـب با وضعیت امروز و فردای ماست. من شرح خواهم داد که ایـن مربوط به وضع کنونی و شـرایط کنونی کشـور نیسـت، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشـور اسـت؛ می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینهٔ مسـائل اقتصادی برآورده کند؛ می‌تواند مشکلات را برطرف کند؛ درعین‌حال پویا هم هست؛ یعنی ما این سیاسـت‌ها را به‌صورت یک چهارچوب بسته و متحجر ندیده‌ایم، قابل تکمیل اسـت، قابل انطباق با شرایط گوناگونی اسـت که ممکن اسـت در هر برهه‌ای از زمـان پیش بیاید؛ و عمـلاً اقتصاد کشـور را به حالـت «انعطاف‌پذیری» می‌رسـاند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکانه‌های گوناگون - که اشاره خواهم کرد - برطرف می‌کند. این الگو با تلاش و همفکری افراد صاحب‌نظر و با بحث در مجمع تشـخیص مصلحت و حضور رؤسـای قوا و مسئولان تهیه شـده؛ از کمک صاحب‌نظران اقتصادی برای تهیهٔ این الگو به‌طور کامل استفاده شده؛ در واقع یکی از محسنات این الگو این است که مورد وفاق است؛ یعنی در مجمع تشخیص وَرز پیدا کرده است و چکش‌کاری شده، جوانب آن دیده شده؛ رؤسـای قوا در مجمع تشخیص حضور دارند، مسـئولان گوناگون هم در آنجا هستند، بحث کردند؛ کارِ ملاحظه‌شده و دقت‌شده و مستحکم‌شده‌ای است.

*** رهبر انقلاب: ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به‌هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادیشان خیلی بالاست؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به‌هیچ‌وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم.**

گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - به‌خصوص در این سال‌های اخیر - با تکانه‌های شـدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشـورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سـازی اقتصاد خودشـان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشـکلاتی که ناشـی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سـرریز شد به بسیاری از کشـورها؛ و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشـورها از این مشکلات کم‌وبیش متأثر شـدند؛ بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین خیلی از کشورها در صدد برآمدند که اقتصاد خودشـان را مقاوم‌سازی کنند؛ به‌تعبیری همین اقتصاد مقاومتی را به‌شـکل متناسب با کشورهایشـان برنامه‌ریـزی کنند، تحقق ببخشـند. به نظر من احتیاج ما به اقتصاد مقاومتی بیش از کشـورهای دیگر است؛ ما بیشتر احتیاج داریم که اقتصاد خودمان را مقاوم‌سـازی کنیم. اولاً بـه همان دلیل مشـترک بین ما و دیگر کشـورها؛ ما بـا اقتصاد جهانی مرتبطیم، بنای بر همیـن ارتباط هم داریم، ما قصد جداشدن و مُنعزل شدن از اقتصـاد جهانی را به‌هیچ‌وجه نداریم و در شـرایط کنونی دنیا نمی‌توان هم داشت؛ بنابراین متأثر می‌شویم از آنچه در دنیـا در اقتصادهـای جهانی اتفاق می‌افتد. ثانیاً خصوصیتی اسـت که ما داریم؛ ما به‌خاطر استقلالمان، به‌خاطر عزت‌مداری‌مـان، به‌خاطر اصرارمان بر تحت تأثیر سیاسـت‌های قدرت‌ها قرار نگرفتن، مورد تهاجم و سـوءنیت هم قرار داریم؛ یعنی نسبت به ما - همچنان که در شرایط کنونی مشاهده می‌کنید - انگیزه‌هـای مخالفـت و اخلالگری و اشکال‌تراشـی و ایجاد مشـکل، بیش از بسـیاری از کشـورهای دیگر است. بنابراین ما بیشتر بایستی اهتمام بورزیم به اینکه پایه‌هـای اقتصاد را محکم کنیـم و اقتصادمان را مقاوم‌سـازی کنیم؛ نگذاریم وضعیتی وجود داشته باشد که یا حوادث و تکانه‌های ناگزیر و یا سوءنیت‌ها بتواند در اقتصاد ما اثر بگذارد. بنابراین ما به این نیاز داریم.

مـن یـک فهرسـت اجمالی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های الگوی اقتصاد مقاومتی را مطـرح می‌کنم. من در سه بخش، عرایضم را تقسیم کرده‌ام: یکی فهرسـت این مؤلفه‌هاست؛ بعد چنـد نکته برای اینکه ما چرا اقتصاد مقاومتی را امروز یک ضرورت می‌دانیم و دنبال می‌کنیم؛ و در بخش سـوم هم الزاماتـی که بایسـتی به آن‌ها پایبند باشیم.

در این بخش [اول] من ده ویژگی را یادداشت کرده‌ام که به شما عرض می‌کنم که این‌هـا ویژگی‌های این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که مطرح شـده و در واقع مؤلفه‌های این مجموعه است:

یکی مسـئلهٔ ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشـور و بهبود شـاخص‌های کلان اسـت؛ از قبیل رشـد اقتصادی، از قبیل تولید ملی، از قبیل اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی. در تأمین این سیاست‌ها، تحرکی در اقتصاد کشور و بهبودی در این شـاخص‌ها در نظر گرفته شده؛ و از همهٔ این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به‌هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشـورهایی هستند که شاخص‌هایشـان خیلی خوب است، مطلوب اسـت، رشـد اقتصادیشان خیلی بالاست؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به‌هیچ‌وجه منطبق با خواسـت اسـلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین، یکـی از مهم‌ترین شـاخص‌های ما، شـاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به‌معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند. این مؤلفهٔ اول.

صفحه پاورقی
روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای عبداله درخشان فرزند محمدولی

خواهان خانم مهری پیرویسی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای عبداله درخشان به خواسته طلاق مطرح که به این شعبه ارجاع و به شـماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۸۳۱۹۰۰۴۰۵ شـعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان بوئین زهرا ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۸ ساعت ۱۰:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسـی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواسـت خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشـار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشـانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

منشی دادگاه شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان بوئین‌زهرا- افتخاری

(آگهی مزایده اموال غیرمنقول نوبت: اول)

به استناد پرونده کلاسه ۹۵۰۲۷۶ احکام حقوقی محکوم علیه محسن افشاری محکوم اسـت به پرداخت مبلغ ۶/۸۰۰/۰۰۰ تومان بابت باقیمانده قرارداد و مبلغ ۱/۶۲۴/۰۵۰ تومان بابت باقیمانده توافقنامه و خسارت تاخیر تادیه از ۱۳۸۹/۱/۱۸ و نیز پرداخت ده میلیون تومان بابت طلب اشخاص ثالث در قبال استرداد چهارده فقره چک و پرداخت مبلغ ۴۹۵/۰۰۰ تومان بابت هزینه دادرسی و محکوم له نبی تابان‌زائی جهت استیفای حقـوق خود بدوا تقاضای توقیف و مزایده پـلاک ثبتی ۲/۲۳۹۱۷ اصلی زیر را نموده و پس از تشـریفات قانونی و ارجاع به کارشـناس رسمی دادگستری بشرح ذیل مورد ارزیابی قرار گرفته:

یک قطعه زمین دارای ششدانگ سند مالکیت شماره ۲۳۹۱۷/۲ اصلی واقع در زاهدان بلوار طباطبایی- طباطبایی ۱۸ دو نبش می‌باشـد پس از بررسـی موقعیت محدوده و متراژ و ترسـیم کروکی مساحت ملک طبق سند مالکیت ۴۰۱/۶۹ مترمربع و مساحت اعیانـی ۶۰ متر مربع یک سـالن به نمای گرانیتی و درب برقـی کرکره‌ای و دیوار با نمای سـنگ گرانیت و دیوار به مسـاحت ۴۲/۵ متر مربع دیـوار جلو به ارتفاع ۱/۱۰ دیوار با سـنگ گرانیت و ۸۰ سـانتی‌متر نرده جدید طول دیوار جلـو جمعا به ۱۰/۵ متر و الباقی دیوارچینی سـاده اعیانی در یک طبقه و نوع سـاختمان با مصالح بنایی آجر ۱/۱۰ متر سـرامیک ساخته شده اسـت. عرصه به مساحت ۴۰۱/۶۹ متر مربع از قـرار هر متر مربعی ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمعـا ۲/۴۱۰/۱۴۰/۰۰۰ ریال. دیوار چینی به مبلـغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و امتیاز آب و برق به میـزان ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال که جمع آن معادل ۲/۴۷۵/۱۴۰/۰۰۰ ریال معادل دویسـت و چهل و هفت میلیون و پانصد و چهارده هزار تومان می‌باشد.

سـپس تقاضای فروش آن را از طریق مزایده عمومی نموده اسـت که این اجرا پس از طـی مراحل قانونی و عدم پرداخت محکوم به توسـط محکـوم علیه، قصد دارد در روز ۱۳۹۷/۵/۱۴ از سـاعت ۹ الی ۱۱ صبح با حضور نماینده محترم دادسـتان و همچنین محکوم‌له، در محل اجرای احکام مدنی دادگسـتری زاهدان از طریق مزایده عمومی اموال توقیفی محکوم‌علیه به قیمت پایه کارشناسی به فروش برساند. طالبین و خریـداران می‌توانند همه روزه تا یک هفته قبل از زمان مزایده از اموال مورد مزایده با هماهنگی این اجرا بازدید و در زمان مزایده حضورا شرکت نمایند. بدیهی است اموال مورد مزایده به کسـی فروخته خواهد شد که بالاترین مبلغ را پیشنهاد نماید و خریدار بایستی مبلغ ۱۰ درصدی پیشنهادی مزایده را فی‌المجلس به حساب سپرده دادگستری زاهدان واریز نماید و مابقی را ظرف مدت یک ماه به حساب سپرده دادگستری واریز و تحویل اجرای احکام مدنی نماید و پس از تایید مزایده توسط دادگاه محترم صادرکننده حکم، تقاضای انتقال مالکیت اموال نماید و در صورت عدم تائید مزایده توسط دادگاه، مبلغ ده درصدی واریزی به خریدار مسـترد خواهد شد و در صورتی که خریدار مابقی وجه مزایده را در زمان مقرر به حسـاب سـپرده واریز ننماید و یا اعلام انصراف نماید مبلغ ده درصدی پیشـنهادی خریـدار به نفع دولت ضبط خواهد شـد و خریدار حق هیچگونه اعتراضی را نخواهد داشت تشریفات مزایده با رعایت مواد ۱۱۳ به بعد قانون اجرای احکام مدنی در صـورت نبود خریدار طلبکار نیز می‌تواند در قبال طلب خود از اموال مورد مزایده قبول نماید.

تاجیان
م‌الف ۹۹۱
نماینده اجرای شعبه چهارم حقوقی زاهدان

آگهی تغییرات شرکت تاپ ایده تجهیز سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۲۸۷۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۴۲۶۹۰۶

به اسـتناد صورتجلسـه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۷۹/۱/۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شـد: -منیره بندرچی بصیر شـماره ملـی ۰۰۴۹۲۸۶۸۰۳ بعنوان مدیرعامل و عضـو هیئت مدیره و رضا آیت‌الهی شـماره ملی ۰۴۵۰۴۷۴۲۸۳ به عنوان رئیس هیئت مدیره و اعتصام‌الدین ایلاتی خامنه شماره ملی ۰۰۶۳۷۹۲۷۰۲ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

برگ سبز خودرو سواری سایپا ۱۳۱SE به شماره پلاک ۹۶۴ ب ۶۸ - ایران ۱۴ به رنگ سـفید - روغنی مدل ۱۳۹۴ و شـماره موتور ۵۳۵۸۷۸۹ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰F۱۱۲۸۲۹۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای محمدرضا علی ویردی دارای شناسنامه ۹۶۷ به شرح دادخواست به کلاسه یک سیار از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان غلامرضا علی ویردی به شناسنامه ۱۹ در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۱۵ اقامتگاه دائمی خود در روسـتای دشتک بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- محمدرضا علی‌ویردی فرزند غلامرضا شـماره شناسنامه ۹۶۷ متولد ۱۳۴۷ پسـر متوفـی ۲- علیرضا علی‌ویـردی فرزند غلامرضا شـماره شناسـنامه ۱۰۶۷ متولد ۱۳۵۱ پسـر متوفی ۳- رضـا علی‌ویردی فرزند غلامرضا شـماره شناسـنامه ۱۲۱۲ متولد ۱۳۵۸ پسـر متوفی ۴- امین علی‌ویردی فرزند غلامرضا شماره شناسنامه ۳۸ متولد ۱۳۶۴ پسر متوفی ۵- فریده علی‌ویردی فرزند غلامرضا کدملی ۵۳۸۹۳۷۱۰۱۱ متولد ۱۳۴۵ دختر متوفی ۶- ماهی علی‌ویردی فرزند غلامرضا شماره شناسنامه ۱۰۹۸ متولد ۱۳۵۱ دختر متوفی ۷- محبوبه علی‌محمدی فرزند قربانعلی شماره شناسنامه ۹ متولد ۱۳۲۹ همسر متوفی.

اینک با انجام تشـریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نمایـد تا هر کس اعتراض دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشـد از تاریخ نشـر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد در غیر این‌صورت گواهی صادر خواهد شد.

صمدی- قاضی شورای حل اختلاف آوج

آگهی تغییرات شرکت حامی سرمایه اقتصاد سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۳۸۵۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۴۶۲۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت توسعه عمران رهاد (سـهامی خاص) به شماره ثبت ۳۹۰۱۳۱ و با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۰۱۱۹۰۴، شرکت توسعه ارتباطات تابا (سـهامی خاص) به شـماره ثبت ۳۷۵۶۲۱ و با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۴۵۶۱۶، شرکت توسعه سرمایه بامداد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۳۴۷۰۹ و با شناسه ملی ۱۰۲۳۰۸۴۸۵۷۷ به عنوان اعضاء هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۵ مورد تصویب قرار گرفت. آقای میرزاحسن ذوالقدرنیا با کد ملی ۲۵۲۹۵۹۹۶۹۶ به عنوان بازرس اصلی و آقای سعید یونس سینکی با کد ملی ۰۰۴۰۱۲۰۳۶۸ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی مفقودی

برگ سـبز خـودروی پـژو آردی به شـماره موتور ۲۲۳۲۷۹۰۹۵۷۹ و شـماره شاسـی ۷۹۷۱۰۰۸۰ و شـماره انتظامی (راهنمائی) ۹۷۵۱۵۹ ایران ۱۶ به نام قاسـم کلانتر مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

دادنامه
پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۰۸۴۸۲۰۰۰۶۰ شعبه ۲ شورای حل اختلاف شهرستان ایلام
تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۰۸۴۸۲۰۰۱۶۷

خواهان: بانک ملت با وکالت آقای پیمان شمسی فرزند علی عباس به نشانی ایلام - ایلام - ایلام خ طالقانی نرسیده به میدان سعدی بن‌بست اسلامی مجتمع پارسیان ط ۴ واحد ۴۰۱
خواندگان: ۱- خانم مرضیه مبارکی فرزند محمدعلی به نشانی ایلام - خ صاحب‌الزمان(عج) یک - پلاک ۴ ۲- آقای طالب اوژند فرزند محمد به نشـانی ایلام - ایلام - بلوار ش بهشـتی کد پسـتی ۶۹۳۱۱۴۳۶۱۵
خواسته: مطالبه وجه بابت طلب
گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده‌های بالا به دفتر شورا تسلیم داشته که پس از انجام تشـریفات قانونی و اخذ نظریه مشورتی شورا با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می‌نماید.

رای قاضی شورا

درخصـوص دعوی خواهان بانک ملت به وکالت آقای پیمان شمسـی به طرفیت خواندگان ۱- خانم مرضیه مبارکی ۲- آقای طالب اوژند به خواسـته مطالبه مبلغ ۸۴/۴۴۵/۰۵۴ ریال به انضمام هزینه دادرسی، خسارت تاخیر تادیه و حق‌الوکاله وکیل. به نحوی که وکیل خواهان مدعی اسـت که خواندگان به شـرح دادخواسـت موجود در پرونده بدهکار بوده و از پرداخت بدهی خود امتناع می‌نمایند لذا شـورا با عنایت به قرارداد تنظیمی شـماره ۹۵۱۲۳۶۱۲۷۰۲ تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۱۸ فیمابین خواهان به عنوان طلبکار و خوانده ردیف اول به عنوان وام‌گیرنـده و خوانده ردیف دوم به عنوان ضامن ایشـان و دلالت اسـتقرار دین به میزان خواسـته در عهده خواندگان داشـته و بقاء اصول مسـتندات مذکور در ید مدعی دلالت بر بقاء دین و اشـتغال ذمه خواندگان و استحقاق خواهان در مطالبه وجه آن دارد. لذا با توجه به لایحه بلاوجه خوانده ردیف اول و عدم حضور خوانده ردیـف دوم و اینکه دفاعی درقبال دعوی مطروحه، معمول نداشـته و دلیلی بر برائـت ذمه خود اقامه و ارائه نکرده‌اند اظهارات وکیل خواهان را ثابت و وارد دانسـته و مسـتندا به مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۲ قانون آئین دادرسـی مدنی و مـواد ۱۰، ۲۱۹، ۲۲۱ قانون مدنی و مواد ۳۱۰ الـی ۳۱۴ قانون تجارت حکم بر محکومیت خواندگان به صورت تضامنی به پرداخت مبلغ ۸۴/۴۴۵/۰۵۴ ریال بابت اصل خواسـته به انضمام کلیه خسارت قانونی اعم از هزینه دادرسـی و حق‌الوکاله وکیل و همچنین خسارت تاخیر تادیه دین از تاریخ ۱۳۹۷/۰۱/۱۵ لغایت زمان اجرای حکم و وصول محکوم به با نرخ ۲۴ درصد در سال مطابق قرارداد فیمابین در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رای صادره نسـبت به خوانده ردیف اول حضوری و ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه‌های عمومی وحقوقی حوزه قضایی شهرسـتان ایلام می‌باشـد. و نسبت به خوانـده ردیف دوم غیابی و ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شـعبه و سـپس ظرف همین مدت قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه‌های عمومی و حقوقی حوزه قضایی شهرستان ایلام می‌باشد.

علی‌اکرم داوودی‌نیا
قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف حوزه قضایی شهرستان ایلام

آگهی تغییرات شرکت ساوین تاب سهامی خاص شماره ثبت ۱۳۱۷۱۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۵۰۰۷۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شـد: آقای محمـود نجفی اصل بـه شـماره ملـی ۰۰۳۳۸۴۳۴۶۵ به سـمت رئیس هیئت مدیره، آقای حسـین نجفی اصل به شـماره ملی ۰۰۴۲۴۸۵۲۶۶ به سـمت نایب رئیـس هیئت مدیره و آقای قاسم نجفی اصل به شماره ملی ۰۰۴۲۹۹۴۳۵۷ به عنوان عضو هیئت مدیره و آقای اسماعیل توکلی‌زاده به شماره ملی ۰۳۸۰۸۳۵۲۶۶ به سمت مدیرعامل (خارج از سهامداران) انتخاب شـدند. امضاءکلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضای هریک از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل یا هر یک از اعضای هیئت مدیره به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

گواهی حصر وراثت نامحدود

خانم مدینه محمدی قرمزاغ به ش.ش ۵۰۹ به اسـتناد شـهادتنامه و گواهی فوت و رونوشـت شناسنامه ورثه به شماره ۹۷۰۲۱۱ تقدیم این شـورا نموده و چنین اشـعار داشته اسـت که شـادروان قربانعلی محمدی‌قرمزاغ به ش.ش ۲۷۴ در تاریخ ۹۵/۱۲/۲۰ درگذشته و ورثه وی عبارتند از:
۱- سـکینه سـلیمانی قرمزاغ به شماره ملی ۲۹۳۹۵۵۵۳۴۶ متولد ۱۳۳۲ همسـر متوفی ۲- الهام محمدی قرمزاغ به شماره ملی ۲۹۳۰۱۴۱۹۳۱ متولـد ۱۳۷۱ ۳- سـتاره محمد قرمزاغ به ش.ش ۴۲۸ متولـد ۱۳۵۰ ۴- مدینه محمدی قرمزاغ به کد ملی ۲۹۳۸۵۷۶۶۰۹ متولـد ۱۳۵۲ ۵- خدیجـه محمدی قرمزاغ به ش.ش ۶۲۳ متولد ۱۳۶۰ دختران متوفی ۶- عزیز محمدی‌قرمزاغ به ش.ش ۹۰ متولد ۱۳۶۵ پسر متوفی.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراض دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

یحیی رحیمی - قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان شاهین‌دژ

اجرائیه

مشخصات محکوم‌له/ محکوم‌لهم: بانک تجارت نشانی: ایلام- خ فردوسی
مشخصات محکوم‌علیه/ محکوم‌علیهم: ۱- صدیقه نعمتی نام پدر: محمدمراد نشانی: ایلام- ایلام
۲- کامران الفتی نام پدر: نامدار نشانی: ایلام- ایلام
مشخصات نماینده یا قائم مقام قانونی محکوم‌له/ محکوم‌علیهم:
آذر سلطانی‌فر نام پدر: محمدفر نشانی: ایلام- خ طالقانی- بن‌بست اسلامی- مجتمع پارسیان- طبقه سوم
نوع رابطه: وکیل محکوم‌له/ محکوم‌لهم: بانک تجارت
محکوم‌بـه: بموجب درخواسـت اجـرای حکم مربوطه به شـماره ۹۶۰۹۹۸۰۸۴۸۲۰۰۴۰۸ و شـماره دادنامه ۹۶۰۹۹۷۰۸۴۸۲۰۰۶۱۴ مربوطه محکوم‌علیه محکوم اسـت به پرداخت اصل خواسـته به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و مبلغ ۱/۰۶۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسـی و مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه اجرائیـه و مبلغ ۳/۲۰۰/۰۰۰ ریال بابت حق‌الوکاله و خسـارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواسـت ۱۳۹۶/۱۱/۲۱ لغایت اجرای حکم با نرخ ۲۷ درصد در سال مطابق قرارداد فیمابین در حق محکوم‌له.

مسئول دفتر شعبه ۲ شورای حل اختلاف شهرستان ایلام- علی‌اصغر رستاد
قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان ایلام- علی‌اکرم داوودی‌نیا

محکوم‌علیه مکلف اسـت از تاریخ ابلاغ اجرائیه: ۱- ظرف ده روز مفاد آنرا بموقع اجرا گذارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی). ۲- ترتیبی برای پرداخت محکوم‌به بدهد. ۳- مالی معرفی کند که اجرا حکم و اسـتیفا محکوم‌به از آن میسر باشد. چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسـار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضایی ارائه نماید و الا به درخواست محکوم‌له بازداشـت می‌شـود.(مواد ۸ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۴- خودداری محکوم‌علیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حبس تعزیری درجه هفت را در پی دارد. (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق.م.ا و ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴) ۵- انتقال مـال به دیگری به هـر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانـده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشـد موجب مجازات تعزیری درجه شـش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شـود. (ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴) ۶- چنانچه صورت اموال پس از مهلت سی روز ارائه شود آزادی محکوم‌علیه از زندان منوط به موافقت محکوم‌له یا تودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم‌علیه خواهد بود. (تبصره ۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴).

آگهی تغییرات شرکت شیمیایی شمین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۹۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۵۴۵۵۶

به اسـتناد صورتجلسـه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شـد: آقای علی آقاسـردار به شماره ملی ۰۰۵۴۸۸۶۰۳۱ به سـمت رئیس هیئت مدیره آقای رمضانعلی جلیلوند به شماره ملی ۵۵۹۹۱۶۲۹۷۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای محمود شیرگیری به شماره ملی ۰۰۴۵۶۱۴۰۴۰ به سمت عضو هیئت مدیره خانم ماهرخ سعادتی به شـماره ملی ۰۰۷۱۳۱۴۹۸۹ خارج از اعضاء به سـمت مدیرعامل به مدت دو سال انتخاب گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور مالی و قراردادها و چک و سفته و برات و کلیه عقود اسلامی با امضاء متفق رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شـرکت و اوراق عادی و مراسلات اداری با امضاء رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

برگ اجرائیه

محکوم له: عباس جانی‌پور فرزند محمد شـغل‌آزاد، نشانی: رشت چله‌خانه- کوچه جاویدان- ساختمان جاوید
محکوم علیه: سیداحمد موسوی فرزند غفار شغل آزاد نشانی محل اقامت مجهول‌المکان
به موجب رای شـماره ۲ تاریخ ۹۷/۱/۲۶ شعبه هفتم شورای حل اختلاف شهرستان تنکابن که قطعیت یافته است محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۱۸۴/۴۲۵/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته مبلغ ۲/۰۹۵/۰۰۰ ریال هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چکها تا زمان اجرای کامل حکم که محاسبه آن با اجرای احکام طبق قانون می‌باشد در حق خواهان محکوم می‌نماید رای صادره غیابی است.
به اسـتناد ماده ۱۹ آئین‌نامه اجرائی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی محکوم علیه مکلف اسـت پس از ابلاغ این برگ اجرائیه ظرف ده روز مفاد آن را بـه موقع اجرا بگذارد و یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به و یا انجام تعهد و مفاد رأی بدهد در غیر این صورت پرونده جهت اقدام قانونی برای اجرای احکام دادگاه یا دادگسـتری محل تحویل خواهد شد.

قاضی شعبه هفتم شورای حل اختلاف تنکابن
طیبه رنجبر

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای حسن علی‌قاسم‌پور دارای شماره ملی ۵۰۹۹۵۳۴۱۷۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷۰۹۹۸۲۸۹۰۲۰۰۱۵۱ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شـادروان حسینعلی قاسم‌پور بوئینی به شماره ملی ۵۰۹۸۶۳۶۴۴۲ در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- حسن‌علی قاسم‌پور دارای ش.ش۵۵ پسر متوفی ۲- مریم قاسم‌پور دارای ش.ش ۳۶ دختر متوفی.
اینک با انجام تشـریفات مقدماتی درخواسـت مزبـور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسـی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشـد از تاریخ نشـر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه سوم شورای حل اختلاف شهر بوئین‌زهرا- امین غفوری

آگهی ابلاغ اجرائیه

در پرونده کلاسـه ۹۶۶۶۰ شـعبه اول حقوقی بهار محکوم‌علیهم حسینعلی قراگوزلو و فاطمه اعلای محکومند بـا انتقال عرصه پلاک ۳۹۱۵ فرعی از ۱۳۹ اصلی واقع در بخش چهاربهار به شماره ملک ۱۱۸۹۲/۱۲۱۱۹ در حق محکوم‌لـه خانم مهری پوینده و همچنین پرداخت نیم‌عشـر دولتی در حق صندوق دولت به مبلغ ۱۹۷۸۶۰۰۰ ریال. بدیهی است با توجه به غیابی بودن حکم اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تامین متناسب از محکوم‌له، یا ابلاغ واقعی اجرائیه به محکوم‌علیه می‌باشد. لذا مفاد اجرائیه صـادره یک نوبت در اجرای ماده ۷۳آد.م و ماده ۹ قانون اجرای احکام مدنی در یکی از جراید کثیرالانتشـار درج می‌گردد تا ظرف ده روز پس از انتشـار آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام گردد. در غیراینصورت واحد اجرای احکام طبق مقررات نسـبت به اجرای مدلول اجرائیه و وصول هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود.

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه عمومی(حقوقی) شهرستان بهار- مهری شفیعی
م‌الف ۳۱۶

شنبه‌ها
(سراسر کشور)
اولین نشریه مخصوص بانوان
با مطالب متنوع و خواندنی